

کارگران و جنبش طبقاتی ضد جنگ



کارگران ضد سرمایه داری / اردیبهشت ۱۴۰۱

کارنامه طبقه کارگر جهانی در رابطه با جنگ جنایتکارانه قطبهای درنده سرمایه در اوکراین، بسیار سیاه و ننگ آلود است. کارگران اروپا در این ننگ آفرینی پیشتازند و تیره ترین اوراق این کارنامه را ویژه خویش ساخته اند. دو ماه از شروع جنگ می گذرد، اگر بتوان از چیزی به نام جنبش کارگری قاره سخن راند، این جنبش حداقل تا جایی که به جنگ مربوط است، از ناخن پا تا فرق سر در نسخه پیچی ها و منشورپردازی های بشرستیزانه دولت های سرمایه داری مدفون و منحل است. کارگران آن کرده و می کنند که ناتو می خواهد، دولتها می خواهند، بخش ها و محافلی هم «هیأت عدلیه» تشکیل می دهند، لباس قضاوت می پوشند، ترازوی سنجش جرم به کار می اندازند، پیشینه تهاجم ناتو و پوتین را به درون کفه ها می ریزند، حکم به برائت حاکمان روس می دهند و ناتو، ایالات متحده و اروپای واحد را جنگ افروزتر یا مجرم اصلی محکمه خویش می سازند. اکثریت غالب کارگران اروپا روی اسلاف خویش در نمازگزاری به حکام «راست، چپ، فاشیست» سرمایه در جنگهای امپریالیستی اول و دوم را سفید کرده اند، در اسکانندیناوی، آلمان، انگلیس، فرانسه، هلند، اسپانیا، اتریش، تمامی شرق اروپا، پشت سر ناتو صف بسته و کاتولیک تر از پاپ خواستار ارسال سلاح برای نازیست های اوکرائینی شده اند، وسیع ترین بخش کارگران روس، بلاروس و جاهای دیگر نیز عین همین سناریوی شوم منحط را در حمایت از یکه تازی های جنگ افروزانه پوتین و بورژوازی حاکم روس راه انداخته و بر طبل جنگ تا محو «اوکرائینی ها»؟! می کوبند. در این میان لایه نازک و محدودی از طبقه کارگر قاره نیز اگر چه سخت بیگانه و مهجور از جنگ ستیزی رادیکال ضد سرمایه داری اما به هر حال رویکردی متفاوت احراز کرده اند. در یونان، کارگران حمل و نقل جسور و بی پروا با سر دادن شعارهای ضد جنگ، ضد جنگ افروزی سرمایه داری، ضد ناتو و ضد دولت روسیه خواستار اتحاد همه کارگران روس و اوکراین علیه جنگ شده اند، آنان راه هر گونه حمل سلاح از یونان به اوکراین را مسدود ساخته و از همه کارگران دنیا خواهان حمایت شده اند. اقدام کارگران یونان خیزشی بالبداهه و فاقد سطحی از استخوان بندی نیست. آنها در طول دهه های

اخیر اینجا و آنجا رادیکالیسم خودجوش طبقاتی خود را به منصفه ظهور رسانده و تمایز خویش با بخش های مرده، مقهور و مدفون طبقه کارگر اروپا از جمله کارگران اسکاندیناوی را به نمایش نهاده اند. شوراسازی آنان در روزهای فروپاشی سراسری اقتصادی کشور در دهه قبل، اهتمام رادیکال آنها به تصرف کارخانه ها، بیمارستانها، مراکز آموزشی، فروشگاهها، مستغلات، اداره شورائی این مراکز، رایگان کردن دارو، درمان، تغذیه، مسکن برای بخش چشمگیری از توده همزنجیر، برگهای بسیار درخشان و شکوهمندی در کارنامه مبارزه طبقاتی این کارگران است، کارنامه ای که برای کل کارگران قاره، از ساحل مدیترانه تا قطب شمال و از دریای سیاه تا اقیانوس اطلس، بسیار درس آموز و سرمشق است. از یونان که بگذریم درصد اندکی از کارگران ایتالیا نیز در سطحی بسیار نازل تر، محافظه کارانه تر، مامشات جویانه تر، بدون دستیاری به هیچ اقدام زنده عملی، شاید هم مکتبی و عقیدتی شروع به اعتراض علیه سرعت گیری ماشین جنگی جهان پیمای سرمایه کرده اند. اینان هم اعلام داشته اند که دست به کار سازماندهی و تدارک قوا برای پیشبرد اعتراض خود خواهند شد. ما اقدام شجاعانه همزنجیران یونانی خویش را تقدیس می کنیم، از بیانیه های اعتراضی هر چند کم رفق کارگران ایتالیا هم استقبال می نمائیم. در این میان اما مسائلی بسیار اساسی و حیاتی برای طرح با آنان و همه کارگران دنیا داریم. در صدر این مسائل پرسش پیرامون سناریویی است که سالیان متمادی جنجال می گردد، امروز نیز توده کارگر ایتالیا بیرق آن را برافراشته اند اما معنای زمینی آن موهوم و رمزآمیز است. نام این سناریو «جنبش ضد جنگ» است. پدیده ای که به «نون تنوین» در زبان عربی می ماند، به لفظ در می آید اما وجود مادی ملموس یا قابل رؤیتی ندارد. جنبش، مشتکی باور نیست، یک امر اعتقادی و ایدئولوژیک نمی باشد، مجموعه ای از نذر و نیازها، دخیل بندی ها و حاجت خواهی ها نیست. جنبش، اعتراضی علیه یک واقعیت تحمیلی و مستولی با هدف تغییر و جایگزینی آن توسط یک بدیل واقعی دلخواه است. دنیای روز دنیای سرمایه داری است و کل جنگ های عصر در همه عالم جنگ سرمایه علیه کارگران، در غیر این صورت جنگ میان سرمایه داران و دولت های سرمایه داری بر سر تقسیم و بازتقسیم حاصل کار و استثمار طبقه کارگر بین المللی است. سرمایه تاریخا در لحظه ای که روئیده است، از مساماتش جنگ، خون و بربریت باریده است. جنگ جزء جدائی ناپذیر هستی آن است. سرمایه نیازمند ارتش، پلیس، ژاندارم، دستگاههای قهر و سرکوب، سازمانهای میلیتاریستی اختاپوسی، راه اندازی طوفان های فاشیستی، زرادخانه های دهشت آفرین اتمی و تسلیحاتی است. سرمایه هر سال برای بازسازی، گسترش، مدرنیزاسیون و تجهیز نیرومندتر این نهادها یا قورخانه های قهر، تریلیون ها دلار حاصل کار و استثمار طبقه کارگر جهانی را هزینه می کند. فقط آنچه را که زیر نام وهم آگین، دروغین

و مجعول «بودجه دفاعی» لیست می کند از ۲ تریلیون دلار در سال افزون تر است. تولید سلاح، آکندن دنیا از انواع تسلیحات، کشف و ابداع پیشرفته ترین تکنیکهای تولید اسلحه، آفریدن بمب ها، بمب افکن ها، موشک های قاره پیما، ویرانسازترین سلاح های هسته ای با سهمگین ترین توان تخریب، طلائی ترین و سودآورترین حوزه های ارزش افزائی سرمایه است. فقط ۲۵ شرکت اسلحه سازی در سال ۲۰۱۹ رقمی بالغ بر ۳۶۱ میلیارد دلار امریکا از فروش سلاح سود برده اند، رقمی که در قیاس با سال پیش حدود ۹٪ افزون تر بوده است. تنها ۱۲ تراست تولید سلاح ایالات متحده ۶۱ درصد کل فروش اسلحه در سطح جهان را به خود اختصاص داده اند. حجم کل سرمایه ای که در عرصه ساخت سلاح مشغول سودافزائی است سر به آسمان می ساید. رابطه سرمایه با سلاح و جنگ و هزینه های میلیتاریستی این گونه است. کمترین بارقه شعور انسانی، کارگری لازم است تا هر کس دریابد که جار و جنجال «ضد جنگ» یا هیاهوی صلح، بدون گشایش سنگرهای توفانی و پرخروش پیکار علیه موجودیت نظام جنگ زا و صلح کش، نه فقط نشانی از جنگ ستیزی واقعی ندارد که شستشوی مغزی میلیاردها کارگر به نفع جنگ افروزان و خواندن لالائی در گوش بشریت کارگر برای سوختن انفعال آمیز در تنور همه جا مشتعل جنگ سرمایه است. جنبش ضد جنگ یعنی نمایش قدرت، مانیفست سازمانیابی قدرت، منشور اعمال قدرت برای کندن ریشه های جنگ و چنین جنبشی فقط وقتی واقعی است که جبهه ای از جنگ طبقاتی توده های کارگر علیه بنیاد هستی سرمایه داری باشد. راهپیمائی بی آزار خیابانی، تحصن در مقابل کاخهای حکمرانی سرمایه، آویختن به دولتها و سر دادن شعارهای توخالی ضد جنگ یا صلح، صلح نه فقط هیچ خمی بر ابروی هیچ دولت یا هیچ قطب جنگ آفرین سرمایه پدید نمی آرد، نه فقط هیچ سرمایه دار یا نهاد قدرت سرمایه داری را وادار به هیچ تقلیلی در زرادخانه اشتیاق خود به جنگ افروزی نمی کند که یگانه نتیجه اش مهندسی افکار طبقه کارگر مطابق آنچه سرمایه می خواهد و متوهم کردن آنها به این توهم است که گویا با این کارناوال بازی ها می توان وقوع جنگ ها را کاهش داد!! یا اربابان جنگ افروز بورژوازی را بر سر عقل آورد و از افروختن شعله های جنگ باز داشت!!

پیام کارگران ایتالیا مشعر بر راه اندازی جنبش ضد جنگ شایسته استقبال است اما این پیام با کل واقعیت هائی که اینجا تیتروار آمد، به شدت رو در رو است. آیا بناست که آنان باز هم راه افتند، به امامزاده های قدرت سرمایه دخیل بندند، در خیابان ها و شهرها به دور هم چرخ خورند و از دولت های سرمایه داری خواستار تعطیل جنگ و افراشتن درفش صلح شوند!! این نه جنبش ضد جنگ که صرفا ایفای نقش به مثابه عمده ماشین مهندسی افکار سرمایه در فریب زشت توده های کارگر است. شستشوی مغزی کارگران، خلع سلاح آن ها در مقابل بورژوازی و افزودن هر چه هولناکتر بر

کوه توهم موجود آنان به سرمایه است. اگر بناست علیه جنگ دست به پیکار زنیم باید جنبش ما جبهه ای توفانی از یک جنگ واقعی علیه وجود سرمایه داری باشد. باید با عزم استوار و اراده راسخ خواستار:

- ۱ - تعطیل کامل و بدون هیچ قید و شرط تمامی مراکز تولید سلاح در سراسر دنیا،
- ۲ - برچیدن و امحاء کل زرادخانه های تسلیحات در نقطه، نقطه جهان،
- ۳ - انحلال همه ارتش ها، همه نیروهای نظامی و کل قوای قهر و جنگ افروز در جهان موجود،
- ۴ - ممنوعیت محض اختصاص هر سنت، ریال، دینار، روبل از حاصل کار و تولید توده های کارگر جهان به تولید سلاح، آری باید خواستار کل این ها گردیم.

اما تا اینجا باز هم فقط حرف است و سوای حرفی توخالی مریخی اما با ظاهر رادیکال هیچ کار واقعی جنبشی انجام نداده ایم. اقدام جنبشی، زمینی، طبقاتی، رادیکال و سرمایه ستیز ما از این نقطه به بعد آغاز می شود. باید خواست های بالا را بر سرمایه جهانی، طبقه سرمایه دار بین المللی و دولت های سرمایه داری تحمیل کنیم، باید نظام بردگی مزدی را به قبول قهری این خواست ها مجبور سازیم. برای این کار احتیاج به قدرت داریم. قدرتی که هزاران بار بیش از حد نیاز آن را در کف داریم. این قدرت را تاریخا به کار نگرفته ایم، سازمان نداده ایم، علیه سرمایه داری اعمال نکرده ایم، رمز کل سیه روزی ها ما نیز در همین جا قرار دارد. طبقه ما چند قرن است که نسل بعد از نسل از ضدیت با سرمایه حرف زده و شعار سرنگونی سرمایه داری سر داده است، اما هیچ گاه یک جنبش سازمان یافته واقعا ضد بردگی راه نیانداخته و برای راه اندازی آن تلاش نکرده است. اگر قرار است حتی علیه جنگ افروزی سرمایه بکنیم، اگر بنا است فقط کوره های جنگ سرمایه داری را خاموش سازیم، باز هم چاره ای نداریم جز آن که وارد جنگ مستقیم علیه شیرازه هستی سرمایه داری گردیم. چرخه کار و تولید را هرچه وسیع تر، سراسری تر، نیرومندتر و پرخروش تر از چرخش فرو اندازیم، ماشین نظم سیاسی، مدنی، اجتماعی، نظامی، پلیسی نظام بردگی مزدی را به ورطه اختلال رانیم. باید مراکز کار و تولید را در سراسر جهان دچار تعطیل کنیم، همه مجاری تولید اضافه ارزش را مسدود و مختل گردانیم. سرمایه داری را در همه وجوه هستی خود زیر شلاق قهر و قدرت خود گیریم. ما این قدرت را داریم و می توانیم آن را شورائی و سراسری سازمان دهیم، علیه سرمایه اعمال کنیم و از این طریق دشمن تا بن دندان مسلح دژخیم را مجبور به عقب نشینی در مقابل خواست های خود کنیم، با این جنبش نه فقط جنگ ها را محو که نظام جنگ افروز و بشرستیز سرمایه داری را هم نابود خواهیم کرد و بر ویرانه هائی آن جهانی آباد، آزاد، بدون استثمار، جنگ، طبقات و دولت خواهیم ساخت. چرخیدن در خیابان ها، راه اندازی راهپیمائی ها، سر

دادن شعارها، بدون انجام این کارها، بدون دست نهادن بر ریشه های واقعی جنگ ها و جنگ افروزی ها، بدون طرح زمینی مطالبات رادیکال جنگ ستیزانه، بدون نمایش مادی، جنبشی، طبقاتی قدرت، بدون سازمانیابی شورائی و سراسری این قدرت، بدون اعمال این قدرت شورائی علیه سرمایه داری فقط فریبکاری، توهم آفرینی و ریختن آب به آسیاب سرمایه داری است. بیائید براین فریبکاری ها، خودفریبی ها و توهم آفرینی ها نقطه پایانی بگذاریم. آیا آنچه پیش کشیدیم و کارهایی که انجامش پیشنهاد شد، خیالات خام و اتوپی های هذیان آلود هستند. پاسخ مثبت از توپخانه سرمایه می جوشد و جنبش کارگری، اتحادیه ها و احزاب داعیه دار نمایندگی این جنبش یک قرن و چند دهه است که همین پاسخ کریه بورژوازی را پاسخ و نصب العین خویش ساخته اند. از این کار چه نفعی برده اند؟ جواب را باید در حال و روز موجود خود نظر اندازند. کل آنچه گفته شد بدون شک زمینی ترین، واقعی ترین، مادی ترین، شدنی ترین و در همان حال رادیکال ترین و رهائی آفرین ترین راهبردها و راه حلها است. بیائید یک جنبش واقعی ضد جنگ راه اندازیم، جنگی که جبهه ای خروشان از جبهه های سراسری کارزار رادیکال علیه موجودیت سرمایه داری باشد.

